The University of Tehran Press

**Research in Contemporary World Literature**

**Online ISSN: 2588-7092**

**Journal Homepage: https://jor.ut.ac.ir/**

# Ernst Jünger´s Leaves and Stones as a Symbol of Antagonism

**Bahar Barzegar [1] Mohammad Hossein Haddadi [1]**

1.- Department of German Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail bahar.barzegar@ut.ac.ir

2.- Department of German Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail haddadi@ut.ac.ir

## Article Info

**Article type:**
Research Article

**Article history:**
Received : 10 May 2026
Received in revised form: 5 August 2026
Accepted: 7 August 2026
Available online: 23 September 2026

***Keywords***:
Antagonism, War, Neo-nationalism, Nationalism, National Socialism, Third Reich.

## ABSTRACT

Ernst Jünger, one of the prominent German writers of the 20th century, who played an important role in shaping nationalist attitudes and founding and developing the idea of neo-nationalism by writing works on the sanctity of war and introducing war as the father of nationalism, first showed signs of retreat from war literature and of intellectual contradiction in 1929 with his work *The Adventurous Heart*. The culmination of this intellectual conflict was the publication of a work titled *Leaves and Stones* in 1934, which included writings in which the author contrasted war with the world of ideas and spoke of his lack of determination to follow the political trends of the day in his literary works. This article seeks to extract the characteristics of this work from the writings included in it using a descriptive method and answer the question of what Ernst Jünger's purpose is in including contradictory writings in *Leaves and Stones*. The hypothesis is that Ernst Jünger seeks to instill in readers the idea that after Hitler came to power, he was hesitant about continuing his political path as a propagandist of neo-nationalism and that his attention in literary works, in addition to the political issues of the day, was also focused on purely literary topics.

**Cite this article** Barzegar, B. & Haddadi, M. H., "Ernst Jünger´s Leaves and Stones as a Symbol of Antagonism,". *Research in Contemporary World Literature*, *31*(3), 561-573 https://doi.org/ 10.22059/jor.2026.413513.2839

© Author(s) retain the copyright. **Publisher**: The University of Tehran Press.

https://doi.org/ 10.22059/jor.2026.413513.2839

انتشارات دانشگاه تهران

پژوهش ادبیات معاصر جهان

شاپا الکترونیکی: ۷۰۹۲-۲۵۸۸
Journal Homepage: https:// jor.ut.ac.ir/

# برگ‌ها و سنگ‌ها، اثر ارنست یونگر به‌عنوان نماد آنتاگونیسم

بهار برزگر ✉[۱] محمد حسین حدادی [۲]

۱- گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبانها وادبیات خارجی، دانشگاه تهران ، تهران، ایران. رایانامه: bahar.barzegar@ut.ac.ir

۲- گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبانها وادبیات خارجی، دانشگاه تهران ، تهران، ایران. رایانامه: haddadi@ut.ac.ir

## اطلاعات مقاله

**نوع مقاله:**
مقاله پژوهشی

**تاریخچه مقاله:**
**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۵/۰۲/۲۰
**تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۵/۰۵/۱۴
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۵/۱۶
**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

**کلیدواژه‌ها:**
*کلود لوی-استروس، تقابل دوگانه، انسان‌شناسی ساختاری، پیاز، ویسواوا شیمبورسکا، پابلو نرودا، اسطوره.*

## چکیده

ارنست یونگر، از نویسندگان برجستهٔ آلمان در قرن بیستم، در دههٔ بیست با نگارش آثاری دربارهٔ قداست جنگ و معرفی آن به‌عنوان پدر ناسیونالیسم، نقشی بسیار مهم در شکل‌گیری نگرش‌های ناسیونالیستی و بنیان‌گذاری و تکوین اندیشهٔ نئوناسیونالیسم ایفا کرد. او در سال ۱۹۲۹، با نگارش *قلب ماجراجویانه*، برای نخستین بار نشانه‌هایی از فاصله گرفتن از ادبیات جنگ، تعارض فکری و نداشتن موضعی یکپارچه در قبال مسائل سیاسی روز را آشکار ساخت. این تعارض فکری با انتشار *برگ‌ها و سنگ‌ها* در سال ۱۹۳۴ به اوج رسید. این مجموعه شامل نوشتارهایی است که نویسنده در آن‌ها، با قرار دادن جنگ در مقام پدر ناسیونالیسم در برابر جهان اندیشه‌ها، از تزلزل عزم خود برای پیگیری جریان‌های سیاسی روز در آثار ادبی‌اش سخن می‌گوید. مقالهٔ حاضر می‌کوشد با روش توصیفی و از خلال بررسی نوشتارهای این مجموعه، ویژگی‌های ادبی آن را مشخص کند و به این پرسش پاسخ دهد که هدف یونگر از گردآوری نوشتارهایی متعارض در *برگ‌ها و سنگ‌ها* چیست؛ نوشتارهایی که این اثر را به‌عنوان نمادی از آنتاگونیسم در تاریخ ادبیات آلمان برجسته کرده‌اند. فرضیهٔ پژوهش این است که یونگر با این اثر می‌کوشد به خوانندگان القا کند که در سال‌های آغازین دههٔ سی قرن بیستم، به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن هیتلر و استقرار حاکمیت رایش سوم، در ادامهٔ مسیر سیاسی خود به‌عنوان مبلّغ نئوناسیونالیسم تردید داشته است و توجه او در آثار ادبی، در کنار مسائل سیاسی روز، به موضوعات ادبی محض نیز معطوف بوده است.

**استناد:** برزگر، بهار و حدادی، محمد حسین، "برگها و سنگها، اثر ارنست یونگر به عنوان نماد آنتاگونیسم". *پژوهش ادبیات معاصر جهان* ، ۳۱ (۳)، ۵۶۱-۵۷۳
https://doi.org/ 10.22059/jor.2026.413513.2839

**ناشر:** انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

## ۱. مقدمه

واژهٔ آنتاگونیست[1] به مفهوم رقیب، هماورد، ضدقهرمان و یا شخصیت متضاد با قهرمان اثر که در تقابل با واژه پروتاگونیست[2] در مفهوم قهرمان و یا شخصیت اصلی یک اثر قرار دارد، برای همهٔ کسانی که به حوزهٔ ادبیات آشنایی نسبی دارند، شناخته شده است و بر همین اساس نیز می‌توان تصویری نسبتاً روشن نسبت به به‌کارگیری واژهٔ آنتاگونیسم[3] در ادبیات (در حوزه‌های مختلف روایی، نمایشی و غنائی) داشت.

بااین‌حال، کاربرد این واژه در پژوهشی علمی برای معرفی وجه نمادین یک اثر ادبی، یا دست‌کم یکی از ویژگی‌های مهم و برجستهٔ آن، شاید برای برخی خوانندگان و حتی منتقدان ادبی نامتعارف به نظر برسد. زمینهٔ چنین رویکردی در مقالهٔ حاضر، انتشار *برگ‌ها و سنگ‌ها*، نوشتهٔ ارنست یونگر، نویسندهٔ برجستهٔ آلمان در قرن بیستم، در سال ۱۹۳۴ است. این کتاب، از مهم‌ترین آثار ادبی معاصر آلمان، مجموعه‌ای از نوشتارهای متعارض را در خود جای داده است که تعارض فکری نویسنده و فقدان موضعی یکپارچه در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی روز آلمان را در سال‌های آغازین دههٔ سی قرن بیستم، به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن هیتلر و استقرار حاکمیت رایش سوم، بازتاب می‌دهند.

این رویهٔ نویسنده به‌نوعی نشانگر روح تک‌روی او در باب مسائل سیاسی روز (تک‌روی سیاسی[4]) بوده که به او این امکان را بخشیده بود که در باب جریانات سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی روز آلمان فقط بر اساس نگرش سیاسی خود (تک‌روی سیاسی) و بدون وابستگی به احزاب سیاسی موجود (به‌ویژه جنبش‌های ناسیونالیستی چون حزب ناسیونال سوسیالیسم[5]) موضع‌گیری داشته باشد.

برای آنتاگونیسم در واژه‌نامه‌های تخصصی برابرنهادهایی چون تضاد، ضدیت و تقابل در نظر گرفته شده که مفهوم در نظر گرفته شده در این مقاله را تا حدودی پوشش می‌دهد. بااین‌حال برای آن‌که مفهوم جمیع اضداد به‌عنوان نماد و یا حداقل ویژگی خاص اثر *برگ‌ها و سنگ‌ها* ملموس‌تر و محسوس‌تر شود، این وام‌واژه (آنتاگونیسم) ترجیح داده شده و برای آن تعریف ذیل در نظر گرفته شده است: آنتاگونیسم در یک اثر ادبی به معنای گنجاندن نوشته‌هایی (و یا دیدگاه‌هایی) توسط نویسنده است که متضاد و متناقض بوده و در تقابل باهم قرار دارند تا بدین ترتیب بیانگر تضاد فکری نویسنده در باب مسائل مختلف (به‌ویژه مسائل سیاسی و اجتماعی روز) باشد.

هدف از نگارش این مقاله پاسخ به این سؤال است که به چه دلیل در سال ۱۹۳۴ کتابی با عنوان *برگ‌ها و سنگ‌ها* توسط ارنست یونگر به چاپ رسیده که پر از تناقضات و به عبارتی تضادهای فکری بوده و دیدگاه‌های گنجانده شده در آن در تقابل باهم قرار دارند. فرضیه در مقالهٔ پیش روی این است که باید از این کتاب ارنست یونگر به‌دلیل تناقضات موجود در آن و جمیع اضداد به‌عنوان نماد آنتاگونیسم در تاریخ ادبیات آلمان یاد و استدلال کرد که نویسنده با این اثر به‌دنبال القای این تفکر به خوانندگان است که او در اوایل دههٔ سی قرن بیستم و به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن هیتلر و حاکمیت رایش سوم به‌عنوان یک تک‌رو در برابر مسائل سیاسی روز (تک‌رو سیاسی[6]) در خصوص تصمیم‌گیری برای ادامهٔ راه سیاسی خود به‌عنوان مبلغ و نظریه‌پرداز مکتب نئوناسیونالیسم مردد بوده و ازاین‌رو اثری را به چاپ رسانده است که از طرفی بیانگر دیدگاه‌های سیاسی او به‌عنوان یک ناسیونالیسم و شیفتهٔ جنگ به‌عنوان پدر ناسیونالیسم بوده و از طرفی دیگر نشان‌دهندهٔ گریز او

---

[1] Antagonist
[2] Protagonist
[3] Antagonismus
[4] Nonkonformismus
[5] Nationalsozialismus
[6] Nonkonformist

از مسائل سیاسی و اجتماعی روز و توجه به موضوعات ادبی محض و فرار به طبیعت باشد، تفکری که در ضمن بیانگر عدم رضایت او از جریانات سیاسی روز آلمان و به‌ویژه خط فکر سیاسی حزب ناسیونال سوسیالیسم آلمان بوده و موضوع او به‌عنوان یک تک‌رو در باب مسائل سیاسی و اجتماعی روز آلمان در نیمهٔ اول دههٔ سی قرن بیستم تقویت کرده است.

برای دستیابی به اهداف پژوهش، مقالهٔ حاضر در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست، دیدگاه‌های سیاسی ارنست یونگر پیش از انتشار *برگ‌ها و سنگ‌ها* به‌اختصار بررسی می‌شود تا تصویری روشن از مواضع سیاسی او به دست آید. در بخش دوم، نوشتارهای این مجموعه از نظر موضوعی تحلیل می‌شود تا هدف یونگر از انتشار اثری آکنده از تضادها و تناقض‌ها در سال ۱۹۳۴ روشن شود.

## ۲. روش پژوهش

روش این مقاله توصیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای نوشتارهای *برگ‌ها و سنگ‌ها* است. با تحلیل این نوشتارها و بررسی جایگاه ادبی، سیاسی و اجتماعی اثر در ادبیات آلمان، ویژگی‌های آن از درون متن استخراج می‌شود. یافته‌های این بررسی، بر پایهٔ استدلال استقرایی، پشتوانهٔ این نتیجهٔ کلی قرار می‌گیرد که *برگ‌ها و سنگ‌ها* را باید نمادی از آنتاگونیسم دانست.

## ۳. پیشینهٔ تحقیق

باآنکه ارنست یونگر یکی از ارکان مهم ادبیات آلمان در قرن بیستم به‌شمار می‌رود و در کشور فرانسه حتی از وی به‌عنوان مهم‌ترین رکن ادبی ادبیات آلمان در قرن بیستم یاد می‌کنند، اما وی تاکنون در کشور ایران موردتوجهٔ چندانی قرار نگرفته است و استقبال کمی از وی در بازار ترجمه در ایران وجود دارد. از مهم‌ترین نوشتارهای موجود در ایران دو مقاله با عناوین "ارنست یونگر و ادبیات جنگ"[۷] و "ارنست یونگر و عقب‌نشینی از ادبیات جنگ"[۸] هستند که توسط محمدحسین حدادی نگاشته شده و اطلاعات جامعی در باب دیدگاه‌های سیاسی این نویسنده به‌عنوان ادیب جنگ و بنیان‌گذار ایدهٔ نئوناسیونالیسم می‌دهد. از همین نویسنده کتابی نیز با عنوان بررسی ابعاد سیاسی ادبیات جنگ در آثار ارنست یونگر، جنگ پدر ناسیونالیسم در سال ۱۴۰۲ شمسی به چاپ رسیده است که در آن دو نوشتار گنجانده شده در اثر *برگ‌ها و سنگ‌ها* به نام‌های *دربارهٔ درد* و *بسیج عمومی* از بستر نگاه ارنست یونگر به جنگ به‌عنوان پدر ناسیونالیسم موردبررسی تحلیلی قرار گرفته‌اند.

در آلمان مقالات و آثار بسیار زیادی در باب دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی ارنست یونگر به چاپ رسیده و باآنکه در آن‌ها در باب تضاد فکری ارنست یونگر در اثر *برگ‌ها و سنگ‌ها* اشارات ضمنی وجود دارد، ولی تاکنون هیچ اثری و یا مقاله‌ای به بررسی تحلیلی این اثر از بعد آنتاگونیسم نپرداخته است. یکی از کسانی که در آلمان در راه شناخت ارنست یونگر و معرفی آثار وی نقش مهمی ایفا کرده، هلموت کیزل[۹] است که از جمله با نگارش کتاب *ارنست یونگر، بیوگرافی*[۱۰] (چاپ اول در سال ۲۰۰۷ و چاپ دوم در سال ۲۰۰۹) گام مهمی در این راه برداشته است. از جمله کتاب‌هایی که در سالیان اخیر در آلمان به چاپ رسیده باید از انتشار

---

[۷] حدادی، محمد حسین. >>ارنست یونگر و ادبیات جنگ<<. در: *پژوهش زبان‌های خارجی*. شماره ۱۸. تهران. ۱۳۸۳

[۸] حدادی، محمد حسین. >>ارنست یونگر و عقب‌نشینی از ادبیات جنگ<<. در: *پژوهش زبان‌های خارجی*. شماره ۴۰. تهران. ۱۳۸۶

[۹] Helmuth Kiesel

[۱۰] *Ernst Jünger. Die Biographie*

*دست‌نامه، ارنست یونگر. زندگی، آثار، تأثیرات* توسط ماتیاس شونینگ[11] در سال ۲۰۱۴ و کتاب *یونگر و عواقب آن* نوشتهٔ نیلس پنکه[12] در سال ۲۰۱۸ یاد کرد.

## ۴. بحث و بررسی

### ۱،۴. چارچوب نظری

واژهٔ «آنتاگونیست»، به معنای رقیب و شخصیت مقابل قهرمان اثر یا پروتاگونیست، از مفاهیم مطرح در مباحث روایت‌شناختی است. این مفهوم، از آنجا که به چگونگی شکل‌گیری تعارض در شخصیت یک اثر مربوط می‌شود، قابلیت تعمیم به حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی و به‌ویژه روان‌شناسی را نیز دارد. بر این اساس، از آغاز باید روشن کرد که معنای آنتاگونیسم در مقالهٔ حاضر با کاربرد آن در روایت‌شناسی به‌کلی متفاوت است. این مفهوم در چارچوب روان‌شناسی رفتاری به کار می‌رود تا رفتار متناقض ارنست یونگر در سال‌های آغازین دههٔ سی را، چنان‌که در *برگ‌ها و سنگ‌ها* بازتاب یافته است، توضیح دهد.

اگرچه معنای آنتاگونیسم در این مقاله همچنان بر تضاد، ضدیت و تقابل دلالت دارد، کاربرد این واژه برای پوشش دادن ابعاد بحث در حوزهٔ روان‌شناسی رفتاری و روشن‌تر ساختن ویژگی متمایز *برگ‌ها و سنگ‌ها* ترجیح داده شده است. ازاین‌رو، بر پایهٔ محتوای اثر، تعریف زیر از آن ارائه می‌شود: آنتاگونیسم به معنای گنجاندن نوشته‌ها یا دیدگاه‌هایی متضاد و متناقض در یک مجموعهٔ ادبی از سوی نویسنده است که تقابل میان آن‌ها، تعارض فکری او را دربارهٔ مسائل گوناگون، به‌ویژه مسائل سیاسی و اجتماعی روز، بازتاب می‌دهد.

اگر روانشناسی رفتاری را به مفهوم سادهٔ آن به‌عنوان بررسی ارتباط میان ذهن و رفتار شخص در نظر بگیریم، بر این اساس می‌توان آنچه در مجموعهٔ متناقض *برگ‌ها و سنگ‌ها* شکل گرفته است، به‌عنوان نتیجهٔ رفتار متناقض ارنست یونگر نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی روز در اوایل دههٔ سی قرن بیستم دانست. رفتار متناقض ارنست یونگر در این سال‌ها دلالت بر این واقعیت دارد که او هنوز در باب چگونگی رفتار خود نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی روز مردد بوده و ازاین‌رو در کنار پرداختن به موضوعات غیرسیاسی (به‌عنوان فرار از سیاست) به موضوعات سیاسی روز (مسیر حاکمیت ناسیونالیسم که در سال ۱۹۳۳ با به قدرت رسیدن هیتلر و تثبیت مکتب ناسیونال‌سوسیالیسم به حقیقت پیوست) نیز توجه داشته است.

### ۲،۴. برگ‌ها و سنگ‌ها به‌عنوان نماد آنتاگونیسم

هویت نویسندگی ارنست یونگر در اولین سال‌های پس از جنگ جهانی اول (به‌ویژه در سال ۱۹۲۰ و با چاپ کتاب *در طوفان فولاد*[13]) تا سال ۱۹۲۵ با نوشتن کتاب‌هایی عجین شده است که به‌عنوان ادبیات جنگ (ادبیاتی که در آن جنگ نقش محوری داشته و بیانگر دیدگاه‌ها و تفکرات سیاسی نویسنده نسبت به پدیدهٔ جنگ است) شناخته شده است. آنچه در این کتاب‌ها توجه خواننده را به خود جلب می‌کند، زیبایی‌شناسی جنگ[14] بوده که بر بستر تفکر قداست جنگ[15] و معرفی جنگ به‌عنوان پدر ناسیونالیسم[16] شکل گرفته است.

پس از این سال‌ها و تا سال ۱۹۳۹ که کتابی از وی به نام *قلب ماجراجویانه*[17] به چاپ رسید، وی فعالیت خود را صرف نوشتن مقالاتی در باب ناسیونالیسم کرده. وی در طی این چهار سال (از سال ۱۹۲۵ تا سال

[11] Schöning, Mathias (Hrsg.). *Ernst Jünger Handbuch. Leben – Werk – Wirkung*. Stuttgart. 2014

[12] Penke, Niels. *Jünger und die Folgen*. Stuttgart. 2018

[13] *In Stahlgewittern*

[14] Ästhetik des Krieges

[15] Verherrlichung des Kriegs

[16] Krieg als Vater des Nationalismus

[17] بعد از نسخهٔ اول این کتاب در سال ۱۹۲۹، نسخهٔ دومی از این کتاب وجود دارد که در سال ۱۹۳۸ منتشر شده است

۱۹۲۹) به‌عنوان یک روزنامه‌نگار با بنیان‌گذاری ایدهٔ نئوناسیونالیسم[۱۸] و معرفی پدیدهٔ جنگ به‌عنوان پدر ناسیونالیسم در مقالات سیاسی خود نقش مهمی بر باورهای سیاسی جنبش‌های سیاسی روز آلمان در این زمان داشته و باعث شد که او حتی مقالاتی سیاسی نیز در روزنامه‌ها و نشریات جنبش‌های ناسیونالیستی آن روز آلمان به چاپ برساند. بااین‌حال آنچه نیز از این زمان در نگرش‌های سیاسی ارنست یونگر بسیار مشهود بوده است، این است که این ادیب جنگ در این زمان (و بعدها نیز) به‌هیچ‌وجه به گروه‌های سیاسی ناسیونالیستی روز آلمان (و حتی ناسیونال سوسیالیسم که برای وی در این زمان به‌عنوان امید تحقق جنبش ناسیونالیسم شناخته می‌شد) وابسته نبوده و دیدگاه‌های خود را به‌عنوان یک تک‌رو بر اساس دیدگاه‌های روز خود شکل بخشیده است.

باآنکه ارنست یونگر تا سال ۱۹۲۵ به‌عنوان یک ادیب برجستهٔ جنگ از جایگاه برجسته‌ای در نزد محافل سیاسی و ادبی آلمان برخوردار بوده است، اما باید سال ۱۹۲۵ را به‌عنوان نقطهٔ عطف فعالیت سیاسی وی قلمداد کرد. او در پاییز این سال در مقاله‌ای با عنوان "متحد شوید"[۱۹] با فراخوانی و دعوت از احزاب و گروه‌های ناسیونالیستی به شرکت در جنبش نئوناسیونالیسم، خط فکری این ایدئولوژی را به‌عنوان مبلغ و نظریه‌پرداز تبیین و تثبیت کرد. ارنست یونگر در این مقاله بر این نکته تأکید کرده است که نئوناسیونالیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی و مکتب به معنای ایمان به قدرت حیات یک ملت[۲۰] است، اما از نظر او هدف ملت نیست، بلکه ملت فقط یک شرط برای تحقق نئوناسیونالیسم است. از دید ارنست یونگر، هدف اصلی این مکتب، حاکمیت تفکر و ایدهٔ ژرمنیسم[۲۱] و تأسیس یک دولت ناسیونالیستی، سوسیالیستی، مقتدر و استبدادی است که در آن فقط تفکر آلمانی[۲۲] حاکم باشد. او در ضمن در مقالهٔ خود بر این نکته تأکید ویژه داشته است که دورنمای این دولت نئوناسیونالیستی باید حذف جمهوری وایمار به‌عنوان نماد بورژوازی در تاریخ پرتلاطم آلمان و نظام سرمایه‌داری و مخالف و دشمن اصلی تفکرات نئوناسیونالیستی باشد.

ارنست یونگر پس از نگارش مقالهٔ "متحد شوید" با حفظ موضع خود به‌عنوان یک تک‌رو در باب مسائل سیاسی و اجتماعی روز آلمان و بیش از آن در سال ۱۹۲۹ دوباره به نگارش آثار ادبی دست بزند، توجه خود را معطوف به تکوین ایدئولوژی نئوناسیونالیسم کرده و همکاری نزدیکی نیز با احزاب ناسیونالیستی و به‌ویژه با حزب ناسیونال‌سوسیالیسم[۲۳] آلمان (البته بدون وابستگی فکری و عضویت در این احزاب) داشته است. نگارش قسمت اول *قلب ماجراجویانه*[۲۴] در سال ۱۹۲۹ (که فارغ از دیدگاه‌های سیاسی بوده و از گریز ارنست یونگر به دنیای اندیشه‌ها حکایت دارد) به‌طور ضمنی دلالت بر این داشته است که او به‌دنبال مسیر جدیدی در ادامهٔ فعالیت نویسندگی و سیاسی است.

ارنست یونگر گرچه در آغاز دههٔ سی قرن بیستم در صدد این بود که از صحنهٔ سیاست خارج شده و ازاین‌رو به نحو بسیار محسوسی از تحریر آثاری در قالب ادبیات جنگ و در خدمت ناسیونالیسم خودداری ورزید، ولی نگارش کتاب *کارگر، حاکمیت و گشتالت*[۲۵] در سال ۱۹۳۲ بیانگر تصمیم راسخ او در مسیر ادبی

---

[18] Neuer Nationalismus

[19] Schließt euch zusammen!

[20] Nation

[21] Germanentum

[22] das Deutsche

[23] Nationalsozialismus

[24] *Das Abenteuerliche Herz*

[۲۵] *Der Arbeiter. Herrschaft und Gestalt*

خارج از دنیای سیاست نیست. این کتاب که در ادبیات آلمانی‌زبان به‌عنوان یکی از بحث‌برانگیزترین آثار ادبی شناخته می‌شود، از دید برخی منتقدان به‌دلیل محوریت نقش کارگر، هموارکنندهٔ حاکمیت حزب ناسیونال سوسیالیسم (با عنوان کامل: حزب کارگری ناسیونال سوسیالیستی آلمان[۲۶]) در سال ۱۹۳۳ بوده است (حدادی ۲۰۰۳، ۱۳۲). این‌که آیا واقعاً این اثر هموارکنندهٔ حاکمیت ناسیونالیسم بوده، بحث‌برانگیز است و بررسی آن در چارچوب این مقاله قرار ندارد.

باآنکه در قلب ماجراجویانه باوجود گرایش‌های سیاسی ارنست یونگر، اولین جرقه‌های فکری برای عقب‌نشینی از ادبیات جنگ (و به عبارتی ادبیات سیاسی) دیده شده است، اما تضاد فکری در ادامهٔ مسیر نویسندگی ارنست یونگر (گرایش به سمت مسائل سیاسی روز و هم‌زمان توجه به مسائل غیرسیاسی و ورود به دنیای اندیشه‌ها) به‌ویژه در انتشار مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها*[۲۷] در سال ۱۹۳۴ مشاهده می‌شود که بیانگر علاقهٔ این نویسنده نه‌فقط در زمینهٔ ادبیات محض، بلکه مسائل سیاسی نیز است.

مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها* شامل نوشتارهایی در قالب رساله و مقاله است که ارنست یونگر در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۴ نوشته است. تردید او میان ادامهٔ مسیر سیاسی خود در مقام یک ناسیونالیست مستقل و فاصله گرفتن از دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی و روی آوردن به جهان اندیشه‌ها، در تقابل دو جزء عنوان اثر نیز جلوه‌گر است: برگ‌ها، نماد جهان اندیشه و گیاه، و سنگ‌ها، نماد جهان قدرت و جنگ. این عنوان از تعارضی فکری حکایت دارد که یونگر در نیمهٔ نخست دههٔ سی قرن بیستم همچنان با آن درگیر بود: آیا در مقام نویسنده در متن مسائل سیاسی روز باقی بماند، از آن‌ها فاصله بگیرد یا هر دو رویکرد را هم‌زمان دنبال کند؟ او با انتشار این کتاب کوشید به خواننده القا کند که در مسیر نویسندگی خود هر دو راه را پیموده است. یونگر دربارهٔ انتخاب عنوان *برگ‌ها و سنگ‌ها* سخن زیر را بیان کرده است که خود گواهی بر تعارض فکری او در سال‌های آغازین دههٔ سی قرن بیستم، هم‌زمان با به قدرت رسیدن هیتلر، به شمار می‌رود:

*انتخاب این عنوان به دلایل سبکی قابل توجیه است. به <نامهٔ سیسیلی> می‌توان به‌عنوان یک برگ و به <آتش و حرکت> به‌عنوان یک سنگ نگریست.*

آنچه ارنست یونگر در جملهٔ فوق ابراز داشته است، در ادامه در بررسی تحلیلی دو نوشتار نامبرده (*نامهٔ سیسیلی* به‌عنوان اثری ادبی در باب دنیای اندیشه‌ها و *آتش و حرکت* به‌عنوان اثری ادبی در باب تجارب ارنست یونگر از جنگ جهانی اول و ازاین‌رو با رویکردی کاملاً سیاسی) نشان داده خواهد شد. گفتهٔ ارنست یونگر به‌روشنی نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که او خود نیز به تضاد فکری موجود در *برگ‌ها و سنگ‌ها* اذعان داشته و ازاین‌رو در صدد القای این تفکر به خواننده است که او هنوز در انتخاب یک مسیر واحد در ادامهٔ راه نویسندگی خود بسیار مردد بوده و ازاین‌رو نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد دیدگاه واحدی در باب چگونگی مماشات با احزاب سیاسی روز آلمان و نسبت به جریانات سیاسی روز داشته باشد (دور از جریانات سیاسی روز و بااین‌وجود به‌دلیل علاقه‌مندی به موضع‌گیری‌های سیاسی در بطن صحنهٔ سیاسی و به چالش کشیدن مسائل سیاسی روز).

*برگ‌ها و سنگ‌ها*، در مقام نمادی از آنتاگونیسم در مسیر نویسندگی ارنست یونگر، مجموعه‌ای از تضادها و تناقض‌ها را در خود جای داده است. رساله‌های این مجموعه تعارض فکری او را در قبال مسائل سیاسی روز بازتاب می‌دهند و تصویر روشنی از مسیر فکری او در ادامهٔ نویسندگی‌اش از سال ۱۹۳۰ به بعد به دست نمی‌دهند. این ابهام به‌ویژه در سال پرآشوب سیاسی ۱۹۳۲ برجسته می‌شود؛ سالی که تحولات آن به قدرت گرفتن هیتلر و استقرار حاکمیت ناسیونال‌سوسیالیسم انجامید. گرایش‌های فکری متعارض در *برگ‌ها و سنگ‌ها*

[26] Nationalsozialistische Deutsche Arbeiterpartei (NSDAP).

[۲۷] *Blätter und Steine*

از یک سو از علاقهٔ روزافزون یونگر به جهان اندیشه‌ها، گیاهان و طبیعت حکایت دارند و از سوی دیگر نشان می‌دهند که بی‌اعتنایی به مسائل سیاسی روز برای او دشوار است.

اولین اثر گنجانده شده در مجموعهٔ برگ‌ها و سنگ‌ها، سفرنامه‌ای کوتاه با نام "اقامت در دالماسی"[۲۸] (مجمع‌الجزایری واقع در کرواسی که با عنوان دالماتین هم ذکر می‌شود) است. ارنست یونگر این سفر را در سال پرتلاطم سیاسی ۱۹۳۲ (چندین ماه قبل از حاکمیت ناسیونال سوسیالیسم و به قدرت رسیدن هیتلر) انجام و سفرنامهٔ آن را برای اولین بار در سال ۱۹۳۴ در اثر (مجموعه) *برگ‌ها و سنگ‌ها* جای داده است.

اختصاص بخش نخست مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها* به این سفرنامهٔ کوتاه به‌روشنی نشان می‌دهد که یونگر در اوج تلاطم‌های سیاسی پس از به قدرت رسیدن هیتلر، به آرامش فکری و روحی حاصل از سفر سال ۱۹۳۲ می‌اندیشد. شاید انجام این سفر در بحبوحهٔ کشمکش‌های سیاسی آن سال، در واپسین روزهای جمهوری وایمار و در آستانهٔ به قدرت رسیدن هیتلر و استقرار حاکمیت ناسیونال‌سوسیالیسم، نشانهٔ پناه بردن او از جریان‌های سیاسی روز به دامان طبیعت و پرهیز از موضع‌گیری‌های تند در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی باشد. حتی اگر این برداشت را نپذیریم، تردیدی نیست که او در این سفرنامه نگاه تیزبین خود را به موضوعاتی جز سیاست روز معطوف کرده است. آنچه در این متن دیده می‌شود، تنها توجه یونگر به زیبایی‌های جزایر دالماسی در کرواسی است و هیچ نشانی، حتی ضمنی و پوشیده، از موضع‌گیری او در قبال جریان‌های سیاسی روز آلمان در آن به چشم نمی‌خورد.

دومین نوشتار گنجانده شده در *برگ‌ها و سنگ‌ها*، نوشتاری با عنوان "تمجید حروف صدادار"[۲۹] هست که برای اولین بار در سال ۱۹۳۴ چاپ و در این مجموعه گنجانده شده است. این نوشتار گرچه به این دلیل که حروف صدادار از دید نویسنده به‌عنوان نمادهای قدرت جلوه‌گر شده و ازاین‌رو شاید تداعی دیدگاه یونگر در باب قداست جنگ باشند، ولی نقل‌قول ذیل از این نوشتار نشان‌دهندهٔ این است که آنچه برای یونگر مهم‌تر بوده و در مرکز ثقل تفکر وی قرار داشته است، نگاه او به زبان (زبانشناسی) است:

*در زمانی که توجه ما بیش از پیش معطوف به نژاد شده است، نباید این نکته را نادیده گرفت که دقت زبانی از نشانه‌های بارز نژاد ورزیده است. کمبود مکتب‌های ادبی ازاین‌رو از جمله نشانه‌های قابل‌تأمل است. (یونگر ۱۹۷۸b، ۱۶۰).*

اگرچه این توجه به اهمیت زبان نشان می‌دهد که یونگر در این دوره، در کنار مسائل سیاسی، به موضوعات غیرسیاسی نیز می‌پردازد، کاربرد عبارت «نژاد ورزیده» در نقل‌قول پیشین بحث‌برانگیز است و می‌تواند نشانه‌ای از تعارض فکری موجود در *برگ‌ها و سنگ‌ها* باشد. نویسنده در کنار تأکید بر اهمیت زبان، که به جهان اندیشه و مطالعات زبانی تعلق دارد، از نقش آن در تکوین نژاد نیز سخن می‌گوید؛ دیدگاهی که در فضای اوایل دههٔ سی قرن بیستم تداعی‌کنندهٔ موضعی سیاسی و مناقشه‌برانگیز است. یونگر در کتاب *کارگر، حاکمیت و گشتالت (۱۹۳۲)* به‌صراحت و در نوشتار «تمجید حروف صدادار» به‌صورت ضمنی، قشر کارگر را نژاد می‌نامد. این امر به‌ویژه از آن رو بحث‌برانگیز است که حزب ناسیونال‌سوسیالیست، با نام کامل «حزب کارگران ناسیونال‌سوسیالیست آلمان»، کارگر را نماد سیاسی خود معرفی می‌کند.

---

[28] *Dalmatinischer Aufenthalt*

[29] *Lob der Vokale*

رسالهٔ کوتاه "آتش و حرکت"[۳۰] که برای اولین بار در سال ۱۹۳۰ در مجلهٔ *مقاومت*[۳۱] به چاپ رسید، از جمله رساله‌های منتشر شده در مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها* (۱۹۳۴) است که بار دیگر از علاقهٔ وافر ارنست یونگر به جنگ پرده برمی‌دارد. این رساله حاصل تجربهٔ ارنست یونگر از سال‌ها حضور وی در جبهه‌های جنگ جهانی اول بوده و در آن یکی از ضروریات دوران مدرنیته، یعنی استفاده از تکنیک، سخن به میان می‌آید. آنچه در این اثر جلب نظر می‌کند این است که چگونه نویسنده بار دیگر از جنگ جهانی اول به‌عنوان ابزاری برای مقاصد سیاسی خود سود جسته، نکته‌ای که این نوشتار را به یک نوشتار سیاسی مبدل کرده است.

اگرچه ارنست یونگر در رسالهٔ «آتش و حرکت»، با تأکید بر اهمیت جنگ در شکل‌گیری دیدگاه‌های سیاسی فرد، آن را در خدمت اهداف سیاسی خود قرار می‌دهد، در این نوشتار از طرح مواضع ناسیونالیستی پیشین خود پرهیز می‌کند. او از پیوند تنگاتنگ جنگ و تکنیک به‌عنوان یکی از ضرورت‌های مدرنیته و از لزوم اتخاذ راهبردی مدرن در جنگ سخن می‌گوید. این دیدگاه به‌ویژه در جملهٔ زیر نمود می‌یابد که در آن، یونگر آتش را هم‌ردیف ماشین جنگی و تفکر را مظهر حرکت می‌داند:

*نبرد در مقیاس وسیع فقط از ماشین استفاده نمی‌کند، بلکه به‌عنوان یک مجموعه تحت تأثیر تفکر که ماشین‌ها را خلق می‌کند، قرار دارد (یونگر ۱۹۸۰a، ۱۱۶).*

نکتهٔ قابل‌توجه در نقل‌قول فوق این است که ارنست یونگر اهمیت تکنیک را نفی نکرده و به آن اعتراف می‌کند، اما از دید او آنچه امکانات راهبردی را در جنگ بر بستر تکنیک فراهم می‌کند، تفکر است. او متوجه این نکته شده بود که پیشرفت‌های فنی که در جنگ جهانی اول بر نبرد تأثیر گذاشته بودند، منجر به افزایش خارق‌العادهٔ حرکت در جنگ شده و با ایجاد توازن بین آتش و حرکت بر بستر تکنیک و پیشرفت‌های فنی ایجاد شده، ابزار مهمی در اختیار سربازان قرار خواهد گرفت (یونگر ۱۹۸۰a، ۱۰۹). او ازاین‌رو بر این باور است که این سحر و جادوی سلاح‌های جنگی نوین و قدرت تکنیک است که پیروزی را نصیب همه خواهد کرد (یونگر ۱۹۸۰a، ۱۰۷).

ارنست یونگر بر این باور است که آنچه در نبردهای مخوف و ویرانگر ماشینی جنگ بزرگ جهانی اول به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد زندگی وی اتفاق افتاده، این واقعیت است که در این جنگ آتش و حرکت متوازن نبوده و این مشکل باید در دوران مدرنیته موردتوجه قرار گیرد تا برای کارگران به‌عنوان سربازان شرکت‌کننده در جنگ، امکانات لازم فراهم شود (پاسخی به اهمیت تکنیک در مدرنیته).

نوشتار بعدی گنجانده‌شده در *برگ‌ها و سنگ‌ها* رساله‌ای با عنوان نوشتار "شیاطین گردوغبار"[۳۲] است که برای اولین بار در سال ۱۹۳۱ به چاپ رسیده است. ایدهٔ نگارش این نوشتار به رمان تخیلی (فانتستیک) *آن‌سو*[۳۳] (یا *سوی دیگر*) در سال ۱۹۰۹ نوشته آلفرد کوبین[۳۴] برمی‌گردد که در آن ۵۲ نقاشی گنجانده‌شده و یکی از نقاشی‌های آن با نام جنگ در سال ۱۹۱۶ توجه ارنست یونگر را به خود جلب کرده بود. آنچه در این نقاشی و به‌طورکلی در اثر تخیلی آلفرد کوبین برای ارنست یونگر جالب‌توجه است، این نکته هست که او در این اثر تخیلی زوال بورژوازی (به‌عنوان مظهر نظام سرمایه‌داری و دشمن ناسیونالیسم و قشر کارگر و به‌عنوان نماد مخالفت با جنگ) را می‌دید.

این واقعیت که بورژوازی که در دههٔ بیست به‌عنوان قطب مقابل مکتب نئوناسیونالیسم، آماج حملات شدید ارنست یونگر قرار داشت، هنوز با وجود عقب‌نشینی ضمنی ارنست یونگر از دیدگاه‌های ناسیونالیستی

---

[30] *Feuer und Bewegung*

[۳۱] *Widerstand*

[32] *Die Staubdämonen*

[33] *Die andere Seite*

[34] Alfred Kubin

(بورژوازی به‌عنوان دشمن شمارهٔ یک ناسیونالیسم) در نخستین سال‌های دههٔ سی قرن بیستم در قالب تقابل بورژوا و کارگر دیده می‌شود، به‌خوبی نشان می‌دهد که او کماکان از بورژوازی متنفر بوده و ازاین‌رو رسالهٔ *شیاطین گردوغبار* را با نگرشی کاملاً سیاسی نوشته است. این دیدگاه سیاسی به‌ویژه در نقل‌قول ذیل مشاهده می‌شود:

*کوبین در اضمحلال جهان بورواژی که در آن ما نیز فعال بوده و با درد و رنج در آن سهیم هستیم، به نشانه‌های یک نابودی سازمان‌یافته پی می‌برد، نابودی که تأثیر آن ظریف‌تر و اساسی‌تر از واقعیت‌های فنی-سیاسی که در سطح حمله‌ور می‌شوند، است. (یونگر ۱۹۷۸a، ۳۸)*

نوشتار بعدی ارنست یونگر که در مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها* گنجانده شده است، نوشتار "نامهٔ سیسیلی به مرد در ماه"[۳۵] است که برای اولین بار در سال ۱۹۳۰ به چاپ رسید و به‌عنوان مظهر "دنیای اندیشه" در تقابل کامل با "دنیای سیاسی" برخی از نوشتارهای سیاسی این مجموعه قرار دارد. در میان تمامی نوشته‌هایی که در مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها* گنجانده شده‌اند، نوشتار "نامهٔ سیسیلی به مرد در ماه" در کنار سفرنامهٔ کوتاه *اقامت در دالماسی* دو اثری هستند که در آن‌ها هیچ نشانه‌ای از علایق ارنست یونگر به موضوعات سیاسی و چالش وی با جریانات سیاسی روز آلمان دیده نمی‌شود و ازاین‌رو از آن‌ها باید به‌عنوان نوشته‌هایی برای فرار از مسائل سیاسی روز یاد کرد.

نوشتار "نامهٔ سیسیلی به مرد در ماه" که در قالب یک نامه به‌صورت نمادین و سمبولیک نوشته شده، ادامهٔ راهی است (سیر در دنیای اندیشه‌ها و نه جنگ) که توسط ارنست یونگر در قسمت اول *قلب ماجراجویانه* در سال ۱۹۳۹ به‌وضوح نشان داده شده بود. ارنست یونگر برای مرد نمادین در کره ماه که از او به‌عنوان فردی ناشناخته یاد می‌کند، آن‌چنان ارزشی قائل است که او را همراه و همدم خود در سفر خیالی خود به درون‌نگری (سفر به دنیای احساسات درونی خود و فارغ از دیدگاه‌های سیاسی) می‌بیند (یونگر ۱۹۷۹b، ۱۱).

باآنکه ارنست یونگر (همان‌گونه که اشاره شد) با *قلب ماجراجویانه* در سال ۱۹۲۹ اشاره‌ای تلویحی به عقب‌نشینی خود از دیدگاه‌های ناسیونالیستی افراطی در دههٔ بیست قرن بیستم داشته است، نگارش رسالهٔ *بسیج عمومی*[۳۶] در سال ۱۹۳۰ نشان داد که او از جریانات و مسائل سیاسی روز غافل نبوده و نمی‌خواهد غافل بماند و از این‌که کماکان در بطن سیاست قرار داشته باشد، ناراضی نیست. و ازاین‌رو گنجاندن این نوشتار نیز در *برگ‌ها و سنگ‌ها* در سال ۱۹۳۴ نشانه‌ای دیگر از تضاد فکری ارنست یونگر در اولین سال‌های دههٔ سی قرن بیستم است.

"بسیج عمومی" برای اولین بار سال ۱۹۳۱ و در مجموعه‌ای با نام *جنگ و جنگجو*[۳۷] منتشر شد و بعد از آن در سال ۱۹۳۴ با تغییراتی چند در مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها* گنجانده شده است. یکی از نکات قابل‌توجه در نسخهٔ سال ۱۹۳۴ این رساله حذف برخی از دیدگاهی‌های تند سیاسی ناسیونالیستی[۳۸] سال ۱۹۳۰ بود.

ارنست یونگر رسالهٔ "بسیج عمومی" را بر بستر تجارب خود از جنگ جهانی اول نگاشته (مارتوس ۲۰۰۱، ۶۲) و به‌دنبال آن است که چگونه می‌توان از جنگ به بهترین نحو برای مقاصد سیاسی در دوران مدرنیته سود جست (بروکلینگ ۲۰۱۴، ۱۰۰). او در نوشتار خود بر این نکته تکیه می‌کند که عصر مدرن،

---

[35] *Sizilischer Brief an den Mann im Mond*

[36] *Totale Mobilmachung*

[۳۷] *Krieg und Krieger*

[۳۸] لازم به ذکر است که آن چه ملاک بررسی تحلیلی رسالهٔ بسیج عمومی در این مقاله اثر قرار گرفته است، نسخهٔ چاپ ۱۹۸۰ در انتشارات کلت کوتا در اشتوتگارت است که با حذف دیدگاه‌های ناسیونالیستی به نسخهٔ سال ۱۹۳۴ بسیار نزدیک است. از آن جایی که آخرین انتشار آثار ارنست یونگر در انتشارات کلت کوتا است، بسیاری از آثار منتشر شده وی در این زمان به عنوان وصیت‌نامهٔ وی یاد می‌کنند.

عصر کارگر بوده و باید با استفاده از تجارب سربازان جنگ جهانی اول، در عرصهٔ جنگ اقتصادی به مصاف جامعهٔ سرمایه‌داری و تفکر بورژوازی شتافت. از دید او سربازان جبههٔ اقتصادی (کارگران) همان سربازان خط مقدم جبهه‌ها هستند که اکنون باید در نقش کارگر وظیفهٔ خویش را در برابر سرزمین پدری خود ایفا کنند. او از مفهوم بسیج عمومی به‌عنوان بسیج و موتوریزه کردن تمامی فعالیت‌های جنگجویانهٔ ملت یاد کرده و بر این باور است که تحولات مربوط به تکنیک در جامعهٔ مدرن، فرایند تجهیز عمومی را می‌طلبد و هیچ‌کس را گریزی از آن نیست و آن را باید به‌تمامی قشرهای جامعه و به زندگی نظامی و غیرنظامی تعمیم داد (یونگر ۱۹۸۰b، ۱۲۶). ارنست یونگر در رسالهٔ خود نادیده گرفتن تفکر بسیج عمومی در آلمان در طی جنگ جهانی اول را این‌گونه استدلال کرده است که در سرزمین پدری وی (آلمان) تفکر پیشرفت به‌هیچ‌وجه وجود نداشته و آلمانی‌ها جنگ جهانی اول را به‌عنوان جنگ پیشرفت و تمدن احساس نکرده (یونگر ۱۹۸۰b) و ازاین‌رو نیز متحمل شکست شده‌اند.

رسالهٔ "بسیج عمومی" یکی از سیاسی‌ترین آثار ارنست یونگر در نیمهٔ نخست دههٔ سی قرن بیستم بوده و باآنکه او در نسخهٔ سال ۱۹۳۴ تا حدودی از دیدگاه‌های افراطی ناسیونالیستی خود در نسخهٔ سال ۱۹۳۰ عدول کرده است ولی کماکان با تکیه بر اهمیت نقش کارگر به‌عنوان سرباز اقتصادی مدرنیته، بر علاقهٔ خود در به چالش کشیدن جریانات سیاسی روز آلمان در این زمان تأکید داشته است.

برخلاف رسالهٔ "بسیج عمومی" که اولین بار در سال ۱۹۳۰ منتشر و در سال ۱۹۳۴ در مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها* گنجانده شده است، رسالهٔ *دربارهٔ درد*[۳۹] که آن نیز چون "بسیج عمومی" به‌عنوان رساله‌ای کاملاً سیاسی شناخته می‌شود، برای اولین بار در سال ۱۹۳۴ نوشته شده و در همین سال در مجموعهٔ برگ‌ها و سنگ‌ها گنجانده شده است.

"دربارهٔ درد" یکی از نمونه‌های بارز حیات نویسندگی ارنست یونگر در اوایل دههٔ سی قرن بیستم بوده و از علاقهٔ او به چالش به مسائل سیاسی روز و به‌طور ضمنی به پدیدهٔ جنگ پرده برداشته است. رساله "دربارهٔ درد" پژوهش و مطالعه‌ای از ارنست یونگر در باب جهان احساسات کارگر است، اما درد از نظر او فقط مربوط به کارگر نیست، بلکه مربوط به هر انسانی به‌جز بورژوا بوده و دلیل آن نیز این است که تفکر بورژوازی با رفاه (به‌عنوان یکی از ارکان نظام سرمایه‌داری) عجین بوده و بورژوا نشانی از درد ندارد. اگر این واقعیت (درد به معنای ورود به دنیای احساسات کارگر) که از کنه کلام ارنست یونگر در رسالهٔ "دربارهٔ درد" قابل استنتاج است، معیار ارزیابی این رساله به‌عنوان یک رسالهٔ سیاسی قرار گیرد، تمامی زوایای فکری ارنست یونگر و هدف او از نگارش آن آشکار می‌شود.

این شیوهٔ فکری در روند نویسندگی ارنست یونگر تا سال ۱۹۳۴ نشان می‌دهد که او هرگز از بورژوازی به‌عنوان دشمن تفکرات سیاسی خود غافل نبوده و در ضمن از کارگر در دههٔ سی به‌عنوان همان سرباز جبهه یاد می‌کند که اکنون باید در جبهه‌ای دیگر (جبههٔ اقتصادی) به مبارزه با تفکر بورژوازی بپردازد. این نکته بیانگر این واقعیت است که اگر هم ارنست یونگر در رسالهٔ خود "دربارهٔ درد" از تجارب خود در باب جنگ به‌صراحت سخن نمی‌گوید، کارگر موردعلاقهٔ او همان کسی است که از تجارب جنگی برخوردار باشد.

ارنست یونگر چنان اهمیتی برای درد در مدرنیته قائل می‌شود که آن را نماد موجودیت و هویت فرد در جامعه می‌شناسد و معتقد است که فقط آن‌که درد را حس کند، می‌تواند و قادر است به‌عنوان نمایندهٔ شایستهٔ جامعهٔ کارگری با بورژوا به‌عنوان نمایندهٔ نظام سرمایه‌داری مقابله کند تا شایستگی لازم را در مدرنیته برای نشان دادن ارادهٔ قدرت به دست آورد (گوسن ۱۹۶۸، ۲۶). ازآنجایی‌که ارنست یونگر چنین اهمیت وافری

[39] *Über den Schmerz*

برای درد در جامعه (و برای دنیای احساسات کارگر) قائل است، بر این نکته تأکید می‌کند که صرفاً با درد باید شخصت افراد را سنجید و درد به‌عنوان نماد وجود و هویت فرد در جامعه در دوران مدرنیته معرفی شود:

*از رابطهٔ خود با درد با من سخن بگو و من به تو خواهم گفت که کیستی؟*

آنچه از دید ارنست یونگر در رسالهٔ «دربارهٔ درد» بیش از هر چیز اهمیت دارد، وابستگی جایگاه کارگر در نظام اقتصادی و جامعه، و جایگاه سرباز در مقام یک ناسیونالیست در جنگ، به میزان تحمل درد اوست. این معیار، کارگر و سرباز را از بورژوا متمایز می‌کند که از درد می‌گریزد؛ نه دردی دارد، نه خود را در معرض آزمون درد قرار می‌دهد و نه خواهان رویارویی با چنین آزمونی است. بورژوا در این تلقی، نمایندهٔ نظام سرمایه‌داری و دشمن شمارهٔ یک ناسیونالیسم در دههٔ بیست و کارگر در سال‌های آغازین دههٔ سی است.

آخرین نوشتار گنجانده‌شده در *برگ‌ها و سنگ‌ها*، نوشتاری با عنوان "ضمیمهٔ تقریظ"[۴۰] است[۴۱] که برای اولین بار در سال ۱۹۳۴ منتشر شده است. ارنست یونگر در این نوشتار (همان‌گونه که از عنوان آن تقریظ به معنای گفته‌ای کوتاه در مدح و ستایش کسی و چیزی و در بعضی مواقع حتی به معنای هجو و نکوهش کسی و چیزی هویدا است) تمامی تفکرات سیاسی و غیرسیاسی خود (یونگر ۱۹۷۸b، ۱۶۴) در دیگر نوشتارهای *برگ‌ها و سنگ‌ها* را در قالب جملات کوتاه و مختصر بیان داشته و با این ضمیمه که در آن دنیای سیاست در مقابل دنیای اندیشه‌ها قرار گرفته است، بنای یادبودی از خود برای این موضع که او هنوز در اتخاذ یک رویهٔ واحد در آثار خود مردد است، به یادگار گذاشته است.

## ۵. نتیجه

در ادبیات، مفهوم آنتاگونیسم اغلب در حوزهٔ روایت‌شناسی و در بحث از تقابل آنتاگونیست، به معنای رقیب و هماورد شخصیت اصلی، با پروتاگونیست، یعنی شخصیت اصلی اثر، مطرح می‌شود. پژوهش حاضر با فاصله گرفتن از این کاربرد رایج، مفهوم آنتاگونیسم را در بررسی مجموعهٔ *برگ‌ها و سنگ‌ها* به حوزهٔ روان‌شناسی رفتاری تعمیم می‌دهد. هدف آن، تحلیل دلایل رفتار متناقض ارنست یونگر از منظر روان‌شناسی رفتاری در سال‌های آغازین دههٔ سی قرن بیستم، هم‌زمان با به قدرت رسیدن ناسیونال‌سوسیالیسم، است.

ارنست یونگر در دههٔ بیست قرن بیستم، با طرح جنگ به‌عنوان پدر ناسیونالیسم، نقشی مهم در شکل‌گیری جنبش‌های ناسیونالیستی ایفا کرد و با حزب ناسیونال‌سوسیالیست نیز ارتباطی نزدیک داشت. بااین‌حال، در سال‌های آغازین دههٔ سی، با یونگری روبه‌رو می‌شویم که در دیدگاه‌های سیاسی خود تردید کرده است. او در سال ۱۹۳۴، با انتشار *برگ‌ها و سنگ‌ها*، مجموعه‌ای از رساله‌ها و مقاله‌های نوشته‌شده و منتشرشده در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۴، این تردید را در برابر خوانندگان خود قرار داد. نویسنده در این مجموعه، جنگ را در مقام پدر ناسیونالیسم در برابر جهان اندیشه‌ها می‌نشاند و از تزلزل عزم خود برای پیگیری جریان‌های سیاسی روز در آثار ادبی‌اش سخن می‌گوید. انتشار چنین اثری در این سال‌ها نشان می‌دهد که او دربارهٔ چگونگی ادامهٔ مسیر نویسندگی خود مردد بود و میان ورود به جهان اندیشه‌ها و ماندن در جهان سیاست و تفکرات ناسیونالیستی دست‌وپا می‌زد.

تحلیل نوشتارهای *برگ‌ها و سنگ‌ها*، در مقام نمادی از آنتاگونیسم در ادبیات آلمان، بر تقابل برگ‌ها، به معنای جهان اندیشه‌ها، با سنگ‌ها، به معنای جهان سیاست، استوار است. این تحلیل نشان می‌دهد که یونگر با گردآوری نوشتارهایی آکنده از تناقض و دیدگاه‌های متعارض، در پی القای این اندیشه است که در اوایل دههٔ سی قرن بیستم، به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن هیتلر و استقرار حاکمیت رایش سوم، در ادامهٔ مسیر سیاسی

---

[40] *Epigrammatischer Anhang*

[۴۱] لازم به ذکر است که عنوان این نوشتار در سال ۱۹۷۸ با نام "Epigramme" (در معنای "تقریظ‌ها") ذکر شده است.

خود به‌عنوان مبلّغ و نظریه‌پرداز نئوناسیونالیسم تردید داشته است. او در مقام نویسنده‌ای تک‌رو در مواجهه با مسائل سیاسی روز، در کنار به چالش کشیدن جریان‌های سیاسی آلمان، از پناه بردن خود به طبیعت و جهان اندیشه‌ها نیز سخن می‌گوید. چنین نگرشی همچنین از نارضایتی او از جریان‌های سیاسی آن روز آلمان، به‌ویژه مشی سیاسی حزب ناسیونال‌سوسیالیست، حکایت دارد. یونگر از این طریق می‌کوشد بر تردید خود در پیگیری مسائل سیاسی و اجتماعی روز تأکید کند.

## References


Bröckling, Ulrich. 2014. “Die totale Mobilmachung (1930).” In *Ernst Jünger-Handbuch: Leben – Werk – Wirkung*, edited by Matthias Schöning, 100–105. Stuttgart: J. B. Metzler.

Gorsen, Peter. 1968. “Ernst Jünger über den Schmerz.” *Streit-Zeit-Schrift* 6 (2): 23–27.

Haddadi, Mohammad Hossein. 2003. *Der politische Umbruch in Ernst Jüngers Werk der dreißiger Jahre*. Göttingen: Cuvillier.

Haddadi, Mohammad Hossein. 2004. “Ernst Yunger va adabiyat-e jang” [Ernst Jünger und Kriegsliteratur]. *Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji*, no. 18: 17–26.

Haddadi, Mohammad Hossein. 2007. “Ernst Jünger und sein Rückzug aus der Kriegsliteratur.” *Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji*, no. 40: 53–66.

Haddadi, Mohammad Hossein. 2023. *Barresi-ye ab‘ad-e siyasi-ye adabiyat-e jang dar asar-e Ernst Yunger: Jang pedar-e nasionalism* [Zu politischen Dimensionen der Kriegsliteratur in Ernst Jüngers Werk: Der Krieg als Vater des Nationalismus]. Tehran: University of Tehran Press.

Jünger, Ernst. 1978a. “Die Staubdämonen.” In *Sämtliche Werke*, vol. 14, *Essays VIII: Ad hoc*, 33–38. Stuttgart: Klett-Cotta.

Jünger, Ernst. 1978b. “Vorwort zu ‘Blätter und Steine.’” In *Sämtliche Werke*, vol. 14, *Essays VIII: Ad hoc*, 159–64. Stuttgart: Klett-Cotta.

Jünger, Ernst. 1979a. “Lob der Vokale.” In *Sämtliche Werke*, vol. 12, *Essays VI: Fassungen I*, 11–46. Stuttgart: Klett-Cotta.

Jünger, Ernst. 1979b. “Sizilischer Brief an den Mann im Mond.” In *Sämtliche Werke*, vol. 9, *Essays III: Das abenteuerliche Herz*, 9–22. Stuttgart: Klett-Cotta.

Jünger, Ernst. 1980a. “Feuer und Bewegung.” In *Sämtliche Werke*, vol. 7, *Essays I: Betrachtungen zur Zeit*, 105–17. Stuttgart: Klett-Cotta.

Jünger, Ernst. 1980b. “Die totale Mobilmachung.” In *Sämtliche Werke*, vol. 7, *Essays I: Betrachtungen zur Zeit*, 119–42. Stuttgart: Klett-Cotta.

Jünger, Ernst. 1980c. “Über den Schmerz.” In *Sämtliche Werke*, vol. 7, *Essays I: Betrachtungen zur Zeit*, 143–91. Stuttgart: Klett-Cotta.

Kiesel, Helmuth. 2007. *Ernst Jünger: Die Biographie*. München: Siedler.

Martus, Steffen. 2001. *Ernst Jünger*. Stuttgart and Weimar: J. B. Metzler.

Penke, Niels. 2018. *Jünger und die Folgen*. Stuttgart: J. B. Metzler.

Schöning, Matthias, ed. 2014. *Ernst Jünger-Handbuch: Leben – Werk – Wirkung*. Stuttgart: J. B. Metzler.